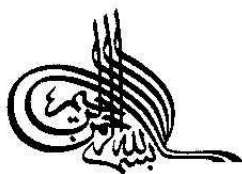


شماره درخواست: ۱۵۹ ۵۱۲۳



شهادت معارف جنگ
شهید سپهبد علی سپاه شهبازی

تهدید در برابر تهدید (در دریا)

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

سرشناسه	: معنوی رودسری، عبدالله، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: تهدید در برابر تهدید (در دریا) / نویسنده عبدالله معنوی رودسری؛ هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۳۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۵-۱۱۸.
موضوع	: دفاع دریایی -- ایران
موضوع	: Sea control -- Iran
موضوع	: دفاع ملی -- ایران
موضوع	: Military readiness -- Iran
موضوع	: تهدید -- ایران
موضوع	: Threats -- Iran
موضوع	: جنگ نرم -- ایران
موضوع	: Soft war -- Iran*
موضوع	: نیروی دریایی -- ایران
موضوع	: Sea-power -- Iran
شناسه افزوده	: ایران: هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: ۷۱۶۳ / ۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۳۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۵۹۷۸۹

تهدید در برابر تهدید (در دریا)

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

نوبت / سال چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۳۷-۲

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی ۵۵۴ - ۱۹۵۷۵

کلیه حقوق برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۹	مشخصات جنگ‌های آینده
۲۳	نبرد مشترک آینده
۲۸	فضای جنگ‌های آینده
۴۷	محتمل‌ترین راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران
۵۷	بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران
۷۶	اصول نبرد ناهمگون
۸۳	ساختار ستادی و رزمی قرارگاه - رهایی در راه نای تهدید در برابر تهدید
۱۰۳	نتیجه‌گیری
۱۱۵	منابع

مقدمه

در تلقی عمومی، تهدید به ترساندن، بیم دادن، بیم کردن از کسی یا چیزی گفته می‌شود (معین، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۵۶)، لیکن در مفهوم تخصصی آن، هرگونه فعالیت رفتار یا وضعیت که برآیند آن تضعیف امنیت و توان دفاعی کشور باشد را تهدید می‌گویند. اما آنچه که مورد نظر می‌باشد، این است که مهم‌ترین مفهوم تهدید، متوجه امنیت ملی و منافع ملی می‌گردد. به عبارت دیگر، تهدید پدیده‌ای است که مترادف ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲).

چون امنیت مفهومی، مدجانه بوده و ابعاد گوناگون دارد، تهدیدات امنیتی نیز می‌توانند دارای ماهیت‌های گوناگونی باشند. برخلاف گذشته که گرایش کلی ادبیات امنیت ملی بر ماهیت واحد و یکسان تهدیدات متمرکز بود، امروزه تهدیدات غیرنظامی، اهمیت ویژه‌ای در مسائل مربوط به امنیت پیدا کرده‌اند.

تاکنون تقسیم‌بندی‌های گوناگونی درباره ماهیت تهدیدات امنیتی مطرح شده است. تنوع تقسیم‌بندی‌ها بیشتر به واسطه اختلاف ساقه و تفاوت حوزه‌های مطالعاتی محققین بوده است تا اختلاف نظر در اصل مفهوم و برخی که جنبه نظامی تهدیدات را اصل می‌دانند، تهدیدات را به دو گونه نظامی و غیرنظامی تقسیم کرده‌اند. اما به تازگی تقسیم‌بندی نوینی تحت عنوان (۱) تهدیدات به کلی سیاسی و (۲) تهدیدات کمتر سیاسی مطرح شده است (درویش‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

با گسترش هدف‌های اصلی سیاست خارجی، مسائلی همچون جاسوسی، انرژی، منابع و مواد خام، قاچاق، تروریسم، توسعه اقتصادی و... در ردیف مسائل امنیتی قرار گرفته و تهدید نسبت به امنیت ملی مطرح گردیده و از اهمیت نظامی‌گری کاسته شده است.

تهدیدات پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسط مکتب کینه‌هاک و «بوزان» ارائه شد. در این مکتب، تهدید نظامی توسل به زور در اشکال مختلف یا تهدید به استفاده از زور است که باعث نقض روابط مسالمت‌آمیز سیاسی شده و حتی روابط اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از این تهدید، فشار بر حکومت در مورد سیاستی خاص تا براندازی و واژگونی حکومت، جدایی‌طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم عامی است. به عبارت دیگر، تهدید سیاسی هر چیزی را که شناسائی، مشروعیت و اقتدار آن و تمام دولت را به خطر اندازد، در بر می‌گیرد.

تهدید اقتصادی از پیچیده‌ترین انواع تهدیدات امنیتی است، چرا که در اقتصاد بازار، مشکلات متعددی مانند محدودیت صادرات، رقابت شدید خارجی، ارز و نرخ بهره، انواع پرداخت، دیون و... وجود دارد که در ذات و ماهیت اقتصاد بازار نهفته و ارتباطی به تهدیدات امنیتی ندارند. اما وقتی به امور نظامی و سیاسی گسترش می‌یابند، تأثیرشان بر امنیت روشن شده و تهدید محسوب می‌گردند. در مجموع، هنوز هم تهدیدات عامی از اهمیت بیشتری در تفکر امنیتی برخوردارند، اما این برتری در کشورهایی تسعه‌یافته در حال کاهش است.

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی با استعاضای بر مانی دینی و مردمی، پارادایم نوینی را ایجاد نموده که به اعتراف ناظران، جرسش قدرت نرم آن عمق استراتژیک به پهنای افکار عمومی جهانی به وجود آورده است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته، در ابعاد سیاسی و فرهنگی عرصه‌های مختلف محیط پیرامونی، آن را پدیده‌ای شگفتی‌ساز و تحول‌آفرین در جهان نمرده است و آن را با فضای پارادوکسیکال، در مواجهه با فرصت‌ها از یک سو و تهدیدها از سوی دیگر مواجهه نموده است؛ لذا شناخت صحیح و بموقع تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی، بویژه تهدیدات نظامی برای رهبران و کارگزاران نظام اسلامی، عامل ارتقاء توانایی‌های لازم برای حفظ و تعمیق اهداف و آرمان‌های انقلاب، بالا بردن

توان امنیت ملی و جلوگیری از شکست‌ها و ناکامی‌ها در عرصه محیط بین‌المللی خواهد بود.

فروپاشی قدرت برّی (شوروی سابق) در سال ۱۹۹۱ باعث از هم پاشیدن نظام دوقطبی و تلاش آمریکا برای ایجاد نظام تک قطبی در جهان و شکل‌گیری تهدیدات جدید علیه ج.ا.ا گردید. گسترش ناتو به شرق، موج بیداری اسلامی و استمرار دشمنی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز محیط امنیتی ج.ا.ا را دستخوش تغییر مداوم و متلاطم نموده و کشور را با تهدیدات جدید مواجه کرده است.

آنچه در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد، تهدید نظامی آن هم از طریق دریا است، لذا مقوله‌ای دیگر تهدید، هرچند بسیار مهم، مد نظر نخواهند بود. البته تهدیدات خارجی نیز وجوه مختلف دارند که برخی از این وجوه عبارتند از:

- جنگ و تهاجم نظامی؛

- الحاق سرزمین کشوری به کشور دیگر؛

- اشغال بدون درگیری؛

- دخالت در امور داخلی کشور دیگر؛

- اقدامات براندازی؛

- برهم خوردن توازن قوا؛

- جاسوسی و عملیات پنهان سیاسی.

تهدیدات نظامی از آشکارترین انواع تهدیدات به شمار می‌روند، که دارای پیشینه طولانی در تاریخ تحولات جامعه بشری هستند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدات استفاده از زور است، که در ذیل عنوان تخصصی «جنگ و بازه» از آنها یاد می‌شود. بر این اساس، «تهدید نظامی» به استفاده از زور برای دستیابی به اهداف بازیگر در عرصه سیاست عملی دلالت دارد و در گفتمان سنتی از امنیت، دارای کاربرد بسیاری می‌باشد؛ به گونه‌ای که:

اولاً: امنیت با افزایش توان نظامی فهم می‌شود.

ثانیاً: روابط بین بازیگران به بازی با حاصل جمع صفر تبدیل می‌شود، که در آن تلاشی برای افزایش منافع بدون کاهش در منافع دیگران متصور نیست. ثالثاً: اصل «برای افزایش منافع خود باید به سرکوب دیگران همت گمارد؛ در غیر این صورت، دیگران چنین خواهند کرد» حاکم و معتبر است.

تهدید نظامی، مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. معمولاً تهدید نظامی می‌تواند همه اجزاء دولت را تهدید کند و ممکن است موجب اختلال با ناپودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نماید. «تأثیر نظامی نه تنها به طور بنیادین بر کارکردهای حفاظتی دولت اثر دارند، بلکه منافع عمومی اجتماعی و فردی را نیز که پایدارتر از روبناهای دولت هستند، مورد تهدید قرار می‌دهند.

تهدیدات - امنی از آن جهت مهم هستند که تهدیدات دیگر نیز در شرایط حاد همراه با تهدیدات نظامی کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد، که در سایر تهدیدات اینگونه نیست. «در صورت همه عوامل قدرت ملی در راستای مقابله با این نوع تهدید که مستقیم و سریع است، به کار گرفته می‌شوند. برخی عقیده دارند هرچند دیگر تهدیدات نیز با مورد توجه قرار گیرند، اما آنچه که به عنوان تهدید واقعی و ملموس برای بقاء ارزیابی می‌گردد، تجاوز فیزیکی است که غالباً از طریق شورش، اقدامات تجزیه‌طلبانه، کودتا، سطوح مختلف درگیری نظامی، مداخله نظامی، اشغال کشور و... صورت می‌گیرد.

«بوزان» نیز ویژگی تهدیدات نظامی نسبت به دیگر تهدیدات را این می‌داند که «اقدام نظامی اغلب همه عناصر تشکیل‌دهنده کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد که در سایر تهدیدات، اینگونه نیست.» (بوزان، ۱۳۸۱: ۱۵۱) علاوه بر موارد یادشده، به نظر می‌رسد عامل دستیابی سریع به نتایج دلخواه در بالا بردن اهمیت تهدید نظامی بی‌تأثیر نیست. تهدید نظامی اشکال مختلفی دارد که هر کدام از آنها نسبت به دیگری با شدت متفاوتی امنیت ملی کشورها را به خطر می‌اندازد. برخی صاحب‌نظران از تهدید نظامی با عنوان تهدید سخت نیز یاد

کرده‌اند. البته بکارگیری نیروی نظامی زمانی به صرفه و صلاح است که منافع حیاتی و یا منافع مهمی از بازیگر به مخاطره افتد.

خسونت‌آمیز بودن روش و سخت‌افزاری بودن پیامد اقدام، دو معیار اصلی تهدیدات نظامی می‌باشند. این تهدیدات اغلب با ابزارها و تجهیزات مرگبار انجام شده و نتیجه آنها چیزی جز تخریب، انهدام، کشتار و وحشت‌آفرینی نیست.

تهدیدات نظامی از حداقل ظرفیت‌ها برای اقدام در چهارچوب‌های حقوقی مانند حق بین‌الملل یا حقوق شهروندی، عرف جامعه یا قوانین و مقررات از قبیل فوانیل ملی یا رژیم‌های بین‌المللی برخوردار می‌باشند. بنابراین، تهدیدات نظامی بیشتر با احاطه و زور سروکار داشته، تهدیدگر طرف مقابل را وادار به انجام کاری کرده یا وادار به انجام آن نهی می‌کند.

حوزه عمل تهدیدات نظامی، عملیات نظامی، انتظامی و عملیات پنهان است و سازمان‌های مقابله‌کننده با آنها، تلب نیروهای مسلح، نیروهای مقاومت مردمی، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشند. در این نوع تهدید، بازیگر تهدیدگر یا فاعل تهدید مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری تهدید است. بنابراین، بدون وجود دولت‌ها، سازمان‌ها یا افراد تهدیدگر، شکل‌گیری تهدیدات نظامی نزد تهدیدشونده به شدت کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، تصور درک تهدید حمله همه‌جانبه نظامی بدون اقدامات و فعالیت‌های تهدیدگر تقریباً غیرممکن است و بایستی برخی اقدامات و فعالیت‌های تا حدودی روشن از سوی تهدیدگر در تدارک حمله همه‌جانبه نظامی وجود داشته باشد، تا امکان درک تهدید حمله برای تهدیدشونده حاصل آید.

مسئله اصلی تهدیدات، بویژه تهدیدات نظامی، این است که موقعیتی که یک موضوع امنیتی تبدیل گشته و میزان جدی بودن آنها چقدر است، یا به عبارتی، چه موقعی عملی می‌شوند. «بوزان» معتقد است عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارتند از: مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن (بعد زمانی)، نزدیکی آن از لحاظ فاصله (بعد مکانی)، میزان شدت، عواقب احتمالی آن و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدیدات می‌شوند یا خیر؛ چنانچه از

سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدید جدی تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع تر خواهد بود (همان: ۱۵۹).

جمع بندی

تهدیدات نظامی از آشکارترین انواع تهدیداتند که دارای پیشینه طولانی در تاریخ تحولات بشری می باشند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدات، استفاده از زور است که ذیل عنوان تخصصی «منازعه و جنگ» از آن یاد می شود. این تهدیدات در کلیه مکاتب، دارای حساسیت و اهمیت بالایی می باشند، به گونه ای که انتصاف یک تهدید به وصف نظامی، ارزش و حساسیت آن را در مقام هزینه کرد و مدیریت افزایش می دهد. در رابطه با تهدیدات، می توان گفت:

- تهدیدات نظامی در پرتو تحولات نظامی فناوری های دهه های اخیر، اشکال غیرمتعارفی یافته اند، که موضوع مطالعات مستقلی در حوزه جنگ و نظامی گری هستند.

- گسترش حوزه بازیگران به موضوع تهدید نظامی هستند، منجر به کاهش ضریب کارایی تهدید از نظر ایجاد حساسیت در کشورهای هدف می شود.

- اشتیاق و گرایش کشورها به حفظ مزیت نظامیشان در شبکه روابط قدرت منجر به ایجاد احساس تهدید نزد سایر بازیگران می گردد.

- هر تلاشی برای افزایش توان نظامی به منظور دید دیگران، منجر به بروز واکنش مشابهی در دیگر کشورها و در نتیجه، پیدایش بحران های امنیتی می شود.

- فضای آنارشیک حاکم بر نظام بین الملل، زمینه تکثیر ظهور و توسعه تهدیدات نظامی را مساعد می سازد.

- در دوران پس از جنگ سرد، وجود عواملی چون نقش روسیه، هویت های قومی، نژادی، مذهبی و محرومیت ها و نابرابری ها به تقویت زمینه ظهور تهدیدات نظامی کمک کرده است.

- انقلاب در امور نظامی، به افزایش میزان حساسیت و خطر ناشی از تهدیدات نظامی کمک کرده است.

- با عنایت به تبدیل طرفین منازعات به پیروان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، چنین به نظر می‌رسد که ماهیت سیاسی تهدیدات نظامی در حال تغییر و تبدیل به ماهیتی فرهنگی است.

- تهدیدات نظامی از حالت دوجانبه در حال تبدیل شدن به صورت چندجانبه، متأثر از فرایند فرهنگی شدنشان می‌باشند.

- سهم عناصر فرهنگی در تهدیدات نظامی در حال افزایش است.

- عدد تمرکز در قدرت نظامی به توسعه کانون‌های مولد تهدید نظامی کمک می‌کند.

- وابستگی نظامی به کشورهای دیگر به معنای بروز ضعف ساختاری در این کشورها در مقابل دست‌خاسته‌های از تهدیدات نظامی است، که به نوعی از ناحیه این کشورها حمایت یا تولید می‌شوند.

- اگرچه اولویت بر روی تهدیدات نظامی انکارناپذیر است، اما توجه مستمر به این دسته از تهدیدات، برپایه محاسبات احتمالی، به هزینه‌کرد منافع کشور در حوزه نظامی‌گری و بروز ضعف عمومی در کشور منجر خواهد شد.

- بین میزان وضوح تهدیدات نظامی و امنیت عمومی از هزینه‌کرد امکانات ملی در زمینه نظامی‌گری رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنا که تهدیدات آشکار راحت‌تر اجماع مورد نظر را در میان نخبگان ایجاد می‌کنند.

حوزه عمل تهدیدات نظامی، عملیات نظامی، انتظامی و عملیات پنهان است و سازمان‌های مقابله‌کننده با آنها اغلب نیروهای مسلح، نیروهای مقاومت مردمی، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشند. در این نوع تهدید، برپایه تهدیدگر یا فاعل تهدید مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری تهدید است. بنابراین، بدون توجه به دولت‌ها، سازمان‌ها یا افراد تهدیدگر، امکان شکل‌گیری تهدیدات نظامی نزد تهدیدشونده به شدت کاهش می‌یابد.

تهدیدات نظامی از آن جهت مهم هستند که تهدیدات دیگر نیز در شرایط حاد به این نوع تهدید منتهی شده و همه عوامل قدرت ملی در راستای مقابله با این نوع تهدید که مستقیم و سریع است، به کار گرفته می‌شوند. مسئله اصلی

تهدیدات نظامی این است که میزان جدی بودن آنها چقدر است و به عبارتی، چه موقع عملی می‌شوند.

«بوزان» معتقد است عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارتند از: مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن (فوریت زمانی)، نزدیکی آن از لحاظ فاصله (نزدیکی مکان)، میزان شدت، عواقب احتمالی آن (گستره اثر) و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت تهدید می‌شوند یا خیر.

چنانچه از سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدید جدی‌تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود. در هر صورت، مسئله اصلی تهدیدات، بویژه تهدیدات نظامی، این است که چه موقعی به یک موضوع امنیتی تبدیل گشته و میزان جدی بودن آنها چقدر است و چه زمانی عملی می‌شوند.